ندای پان ایرانیسم

سرم میهن :

خود را برای گسستن زنجیرهای بندگی و اسارت آماده کن ، بصفوف متشکل و فشرده ما به پیوند تا بتوانی قطعی ترین مبارزات را تحت لوای پان ایرانیسم آغاز نمائی ، جنبش ما رستاخیز عظیمی است که زبده ترین جوانان میهن ما بایستی آنرا رهبری نمایند، مبارزه ما روز بروز شدید تر و پردامنه ترو فردای نزدیك پیروزی از آن ما خواهد بود.

پیروزی ملت ما قطعی است!

لکه های ننگی که بر دامان شما بیگانه پرستان نقش بسته است هرگز زدوده نخواهد شد

هرقدرمبارزه‌رهائی بخش ملت ایران بنتایج قطعی و پیروزی نهائی نزدیك می‌شود بهمان نسبت تشبثات مذبوحانه دشمنان نیز روز بروز افزوده میگردد

پنجاه سال ظلم و خیانت دستگاه استعماری کمپانی سابق سبب شد که مردم میهن پرست این سرزمین یکباره قیام کند برای مردمی که درستی جز آزادگی نیاموخته اند ، برای مردمی که هیچ گاه پدران آنها درطی تاریخ زنجیر اسارت را برگردن هموار نساختند ادامه اسارت و بندگی امکان نداشت .

هستی وحیات ملت ایران درزبانه‌های آتش خودکامگی استعمار انگلستان میسوخت شهر هاو سرزمینهائی که روزی آباد و مملو ازغلغله زندگی بود بویرانه‌ای مبدل گردید که جز صدای مرك و انحطاط چیزی از آن شنیده نمیشد آنهمه آبادی وعظمت آنهمه سرسبزی وشکوه خوزستان وسیستان جای خود را بویرانی و خشکی ومذلت و سیاهی سپرد . پنجه های خون آلودی

بقیه درصفحه ۵

دیری نخواهد پائید که این باروان نیرومند و توانا از دشمنان ملت ایران انتقام خواهند گرفت

توانا

انتقام

... صدای بم وملایم اوهمراه باد پیش رفت ، از دشت هاو کوهها و صخره‌ها گذشت وبگوش سربازانی رسید که در سنگرهای خود آماده گرفتن انتقام از دشمن بودند .

او مرد ... ولی فریاد انتقام همیشه باقی خواهد ماند

درصفحه ۳

تفسیر سیاسی جهان

دکتر مصدق قهرمان سال ۱۹۵۱

ملت ایران قهرمان تاریخ جهان

مجله معروف «تایم» آمریکا که هرشماره آن ملیونها نسخه بچاپ میرسد هرسال برای شناختن بزرگترین مرد جهان درآن سال بآراء عمومی بوسایل مختلف متوسل میشود .

نتیجه این مراجعه بآراء ونظریات مختلف این بود که دکتر مصدق رابنام بزرگترین مردسال ۱۹۵۱ شناختند .

چون دکتر مصدق کهن وپیر ، با روحی بزرك برای پایان دادن بنفوذشوم انگلستان برپا خاست .

بقیه درصفحه ۳

شخصیت های بزرك:

((اسوالداشپنگلر))

درسال ۱۸۸۰ درشهر «بلاکنبرك» آلمان «اسوالداشپنگلر» پا بعرصه وجود گذارد ودرشهرهای برلن ومونیخ دررشته های ریاضیات [illegible] ولی فریاد انتقام [illegible] خود [illegible]

[illegible] این مرد رساله دکترائیست که او درباره « هرکاستیوس » نگاشته است وپس ازآن تحقیقات پردامنه وعمیقی در اساس تمدن مغرب زمین بعمل آورد وبسن سی وهشت سالگی جلد اول شاهکار خودکتاب «انحطاط غرب» را در سال ۱۹۱۸ وجلد دوم آنرا درسال ۱۹۲۲ منتشر نمود و موجب گردید این دانشمند عالیقدر که درموضوع مرفولوژی تاریخ [illegible] داده است مشهور [illegible] کتاب پرارج او بتمام زبانهای زنده دنیا ترجمه شود .

اشپنگلر در اثر مطالعات وبررسی های مفصل در تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و صنعتی و مخصوصا هنرهای زیبا و مذاهب ملل باستانی و

بقیه درصفحه ۳

یك بحث مهم تاریخی و اجتماعی:

دراین بحث باذکر شواهدی ضمن چند مقاله بخوبی روشن میشود که چگونه مستشرقین ومورخین بیگانه برای نوشتن تاریخ ایران اعمال غرض کرده‌اند وبه تبعیت از سیاستهای خطرناك استعماری حقایق مسلم تاریخ ایران رازیرپا گذاشته و خواسته اند ایرانی را از توجه بافتخارات گذشته اش باز دارند

بعضی مولفین هنگام استفاده از کتابها و نوشته های خارجیان درصحت و سنم نکات دقیق تاریخی توجه ننموده و یاابتکه خیلی کم توجه مینمایند درصورتیکه استفاده و نقل قول ازمنابع خارجی بایستی ازروی کمال دقت انجام گیرد زیرا مطالبی راکه محققین و مورخین خارجی بخصوص

بقیه درصفحه ۳

گفتاری درباره ناسیونالیسم

مقدمه‌ای بر ناسیونالیسم

در دوشماره قبل بچهار نکته اصلی ازمبحث ناسیونالیسم اشاره کردیم در این شماره بدنبال مطالب گذشته مقدمه‌ای برناسیونالیسم را بپایان میرسانیم

-۳-

نکته پنجم - پدیده‌های حیاتی یك ملت اجزاء یك سرنوشت هستند .

در زندگی هرملت وقایع واتفاقاتی ظهور میکند و گذشته از این وقایع و اتفاقات پیوسته پدیده‌هائی حادث میگردد حکومتها در نوع مخصوص بوجود میآیند. زبان مردم دچار تغییرات وتحولاتی میشود، اقتصادیات سیر خاصی دارد . خاصیت جویندگی انسان درپی کشف علل وچگونگی همین حوادث و وقایع است دراینجا بر حسب معمول از اصل علیت استفاده میشود و برای هرپدیده‌ای علتی درنظر میگیرند استفاده از اصل علیت چنانکه نابجاو غلط باشد بجای آنکه مطالب را روشن کند تیره و تاریك میسازدو یکی از مواردیکه این اصل غلط بکار رفته است قضاوتهای اجتماعی و بخصوص در مورد ملتهاست . لذا ما در اینجا بطور

بقیه درصفحه ۲

کارگران موثرترین نیروهای ملت ما

کارگران شرافتمند ایران

ماشما را ازتوسل بهر نیروی بیگانه ای جداً بر حذر میداریم

مبارزه‌شما بایستی بخاطرعظمت ایران وحفظ ناموس ملت خودتان باشد

شکی نیست که کارگران موثرترین نیروهای مبارزیك ملت هستند ، مبارزات چندساله اخیر بخوبی نشان داد که هیچ دسته‌ای باندازه کارگران برای احقاق حق خود وخدمت به میهن حاضر بادامه مبارزه نیست ، بخصوص آن روح مبارزه‌ای که در کارگران کشورما وجود دارد باکارگران کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست ولی متاسفانه باوجود فداکاری وازخودگذشتگی که کارگران ما ضمن مبارزات چند ساله اخیر درخود نشان دادند موفقیتی بدست نیاوردند ونتوانستند بحقوق خود برسند

علت این امر اشتباه بزرگی است که کارگران تابحال دستخوش آن بوده‌اند و بسیاری از سیاستمداران ما وآنهائیکه دم از اصلاحات میزنند دستخوش این اشتباه عجیب شده‌اند .

این اشتباه از اینجا ناشی است که میگویند ماضعیف هستیم وقدرت کافی برای

بقیه درصفحه ٤

مهمترین اخبار هفته گذشته

ایران ما و جهان ملتها

برادرن افغانی ما از زیر بار تعهد خرید نفت شانه خالی نخواهند کرد - باز هم سفیر کبیر انگلیس نوحه سرائی میکند - عزیمت هیئت اعزامی بانك بین المللی بآبادان - طرح قرار داد های بازرگانی ایران با ایتالیا - باز پرس دادگاه قزوین بدستور مجدمعلوم الحال با توده ایها سازش میکند

گریدی بار دیگر از روش خصمانه انگلیس و امریکا

نسبت بایران گفتگو میکند - نحاس پاشا حل اختلافات مصر باانگلستان را تاتخلیه کانال سوئز ازانگلیسها امکان پذیر نمیداند - چین کمونیست خیال حمله بهندوچین را دارد

ترومن باچرچیل مذاکره میکند

باما، در راه پان ایرانیسم به پیش ...

MANCHESTER
1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

بهائیگری صدائی است

که از حلقوم امپریالیسم انگلستان بیرون میآید.

مطالعه ما درباره بهائیگری از نقطه نظر مذهبی موضوعی است کاملا بی اساس که مورد توجه ما نیست زیرا صرفنظر از اینکه عقاید این فرقه باعقاید هیچیك از مذاهب باستانی دیگر قابل مقایسه و تطبیق نیست اصولا ما نیازی نداریم باینکه دستورها و قوانین مذاهب مختلف را مورد بحث و مطالعه قرار دهیم. توجه ما به بهائیگری فقط از این نظر است که چگونه طرفداران این فکر ضد ملی در لباس مذهب آلت دست بیگانگان قرار گرفته وسیله اجرای مقاصد شوم آنها میباشند.

برای پی بردن به پیدایش بهائیگری مطالب ذیل را مختصرا یادآور میشویم:

برای اولین بار شیخ احمد احسائی در کربلا با استفاده از عقاید فلاسفه یونان وشیعیان دستگاه مذهبی بوجود آورد که دارای هیچگونه ارزش نبود. شیخ احمد خودرا واسطه امام دوازدهم (باب) میخواند. بعدا دعوی سید کاظم رشتی شاگرد شیخ احمد و همچنین دعاوی حاج محمد کریم خان کرمانی وحاج میرزا شفیع تبریزی وسیدعلی محمد باب شاگردان شیخ کاظم روی همان مدار افکار شیخ احمد دور میزد، هر کدام بنحوی عقاید بابیگری را تبلیغ میکردند و برای خود پیروانی بوجود میآوردند تا اینکه ملاحسین بشرویه‌ای مزدور دولت انگلیس باسید علی محمد باب طرح دوستی ریخت و باتفاق یکدیگر مقدمات ظهور امام زمان راچیدند و با نیرنگها وحقه بازیهائی که ملاحسین بکار میبرد سیدعلی محمد موفق شد که به تبلیغ عقاید خود پردازد و ریشه‌های اندیشه سخیف بابیگری را محکم کند.

ملاحسین بشرویه‌ای از سیاست بازان ماهری بود که باآرتور کونولی انگلیسی که در لباس تجارت درصفحات خراسان وافغانستان وترکستان فعالیت سیاسی میکرد طرح دوستی ویگانگی ریخت و بدستیاری او نقشه‌های شوم انگلیس هارا درخراسان وهرات انجام میداد. برای پی بردن کامل بسابقه این شخص مزدور وحیله گر بحث جداگانه‌ای لازم است ولی منظور آن بود که پایه‌های اندیشه بابیگری، بوسیله او وسیدعلی محمد باب گذاشته شد. درابتدا سیدعلی محمد باب خود را واسطه شیعیان (باب) میخواند و برای آشکار کردن ادعای خود بمکه رفت واز تبلیغات خود هم سودی نبرد. ملاحسین نیز بطرف مشهد عزیمت نمود وشدیدا به تبلیغ با بیگری ومعرفی کردن سیدعلی محمد پرداخت. علاوه بر اینکه سید علی محمد از تبلیغات خود نتیجه‌ای نگرفت بدستور حسینخان نظام الدوله مقدم صاحب اختیار فارس اورا دربوشهر گرفتند وتخت فلك کردند تا اینکه به سخافت عقاید خود اعتراف کرد و میعاد نهاد که دیگر افکار بهائیگری را تبلیغ نکند. بعد ها باب را بدستور حاج میرزا آقاسی ازچهریق به تبریز آوردند و در گفتگوهائی که بدستور محمدشاه با او انجام شد سیدعلی محمد اعتراف کرد که باغوای دیگران دست به تبلیغ بهائیگری زده است وبجهت این اعتراف ولاطائلاتی که میبافت مجددا اورا فلك کرده بقلعه چهریق باز گردانیدند. در همین موقع ملاحسین که درمشهد بسر میبرد مردم را بمذهب باب دعوت میکرد ومخصوصا از اوضاع آشفته خراسان برای انجام منظور خود استفاده [illegible]

میرزا تقی خان امیرکبیر [illegible]

با بیان وریشه کن کردن بابیگری نقش مهمی را بازی کرده [illegible] مازندران وزنجان بدستور امیرکبیر با پیروان باب شد از عملی شدن [illegible] خطرناکی که بدست بابیان طرح شده بود جلوگیری گردید. امیرکبیر که سیاستمداری عاقل ومدبر بود میدانست که افکار بابیها از چه محلی آب میخورد و چه نتایج وخیمی را برای ملت ایران بارمیآورد وبرای اینکه از عواقب وخیم نشر افکار بابیگری جلوگیری نماید کوششهای زیادی مبذول داشت ومثل همه اقداماتی که بر طبق نیازملی ایرانیان انجام میداد راضی نبود که این اقلیت مطرود به محوو نابودی ملت ایران کمك نمایند. امیرکبیر در صدد طرح نقشه‌هائی بود که بوسیله آن باب را معدوم نماید ولی نمیخواست که یکدفعه باب را بقتل برساند زیرا چنانچه گوبینو می نویسد:

«امیر کبیر ابتدا میخواست باب را معنا در نظر مردم خوار وذلیل کند»
«واورا چنانچه هست معرفی نماید وبرای اجرای این منظور خیال داشت اورا»
«ازقلعه چهریق بیرون کشیده وتصوراتیکه در نتیجه حبس ومخفی نمودن اودرافکار»
«تولید شده بود ازمیان برد.

«واورا یك فرد شارلاتان وهوچی وخیال پرست نشان دهد ولی امیر»
«کبیر فکر میکرد که شاید این عمل نتیجه عکس دهد ومبارزه منفی نتیجه مثبت»
«بار آورد لذا تصمیم گرفت که باب را بقتل برساند وروز ۲۷ شعبان ۱۲۶۶»
«باب ومیرزا علی محمد تبریزی که او نیز ازمبلغین جدی بابیان بود در تبریز»
«تیرباران شدند.»

بعداز آنکه باب کشته شد میان طرفداران او تفرقه ونفاق افتاد چه میان پیروان سیدعلی محمد دو برادر بودند یکی بنام میرزا حسینعلی ملقب به بهاءالله و دیگری بنام میرزا یحیی ملقب به صبح ازل،

پس از قتل باب عده‌ای به جانشینی بهاءالله معتقد بودند ودسته‌ای صبح ازل را به جانشینی قبول داشتند وروی همین اصل پیروان سید علی محمد دودسته شدند یکدسته «بهائیان» که طرفدار میرزا حسینعلی بودند ودسته دیگر «بابیان» که طرفدار صبح ازل بودند اکنون نیز این دودسته مشغول فعالیت بوده وباتبلیغات خود مردم رامی فریبند.

این بود مختصری از پیدایش بهائیگری وچگونگی توسعه آن دراجتماع ما. اما اینکه چگونه دشمنان مادر پایه‌ریزی این فکر وتوسعه آن نقش های مهمی را بازی کردند موضوعی است که مورد توجه ودقت کامل ماست.

بعداز آنکه بابیه بدوفرقه تقسیم شد فعالیت دشمنان ما برای جلب نظر این دو دسته نیز شدیدتر گشت ودو بلوك مخالف یعنی روس وانگلیس هر کدام به تقویت یکی ازاین دودسته مشغول فعالیت شدند از این میان «بابیان» به حمایت دولت انگلیس درآمده واز طرف آنها کاملا کمك ومراقبت می‌شدند بطوریکه کورزن درباره صبح ازل مینویسد:

«صبح ازل فعلا درجزیره قبرس میباشد ودولت انگلیس یك مقرری درباره»
اوواتباعش برقرار نموده است «دراوایل سال ۱۲۸۵ بهاءالله وپیروانش را
بعکا وصبح ازل واتباعش رابجزیره قبرس فرستادند» ادوارد برون انگلیسی نیز
درنوشته های خود جانشینی صبح ازل راثابت کرده ومقام میرزا حسینعلی راغصبی
قلمداد مینماید.

بهائیان نیز تحت حمایت کامل روسها قرار گرفته بودند وبوسیله آنها تقویت میشدند وانستین چیرول مخبر معروف روزنامه تایمز وصاحب کتاب «مسئله شرق وسطی» می نویسد:

«بهائیان جاسوس روسها هستند وبوسیله آنها نقشه های سیاسی خودرا اجرا مینمایند» مخبر مزبور کاپیتن تومانکی رااز مبرزترین عمال دولت روسیه معرفی مینماید ومیگوید که نامبرده دراشاعه افکار بهائیها وکمك بآنها نقش مهمی راعهده داشته وبدولت متبوع خود خدمت زیادی کرده است.

در مورد تقویت بابیان بوسیله انگلیسها نیز مدارك وشواهدی دردست است درکتاب «یکسال درمیان ایرانیان» تألیف ادوارد برون انگلیسی این موضوع به خوبی مطرح شده است.

بامطالعه این کتاب معلوم میشود که چگونه ادوارد برون افسر مزور انگلیسی باعمامه وعبا وردا دریزد وکرمان مشغول گردش بوده وبا ابراز علاقه زیاد بابیگری را تبلیغ میکرده است مخصوصا افسر نامبرده بیشتر اوقات خود را بامردم عوام میگذرانده وحتی برای اینکه آنان را کاملا بفریبد پتریاك کشیدن نیز مشغول می شود. ودرهمه جامحور صحبت او از بابیگری بوده است.

افسر نامبرده موفق شد که پیروان زیادی را برای سید علی محمد باب درست کند، و بدینوسیله عده‌ای از مردم را فریب داد و زمینه را برای اجرای سیاست انگلیس آماده نماید و بدین ترتیب مشاهده میشود همان وظایفی راکه کاپیتن تومانکی برای اجرای نقشه روسها انجام میداد همان وظایف را ادوارد برون انگلیسی بعهده داشته است.

در موقعیکه حکومت تزاری سقوط کرد بالتبع توجه روسها نیز ازبهائیها سلب گردید و انگلیسها از این موقعیت استفاده کرده توجه بهائیان را بسوی خود جلب کردند و لردآلنبی فرماندار نظامی حیفا نشان مخصوص و لقب «سر» «آقا» را به عبدالله داد و در جلسه اعطای نشان نیز عکس مخصوص برداشته شد این عکس در کتابیکه صبحی در باره بهائیگری نوشته دیده میشود.

با توجه بمطالب بالا بخوبی روشن میشود که چگونه بدعت باب بصورت مذهب سیاسی وارد ایران شد و بطور اجمال بسابقه پیدایش بابیگری اشاره کردیم. در طی یك قرن اخیر که از نشو و نمای با بیگری میگذرد تبلیغات شدید و دامنه داری ادامه دارد و نتایج وخیم تبلیغات بهائیها در باره ملل بخوبی آشکار شده است. توسعه بهائیگری حربه کاری دول استعماری برای درهم کوفتن ملتها است.

بهائیان که صرفا تبلیغات انترناسیونالیستی مینمایند خود رادرلباس مذهب در آورده و طالب یك حکومت جهانی در زیر لوای باب میباشند!! برای خاموش کردن جنبشهای ملی دشمنان ما وسیله ای بهتر از تبلیغ بهائیگری نیافته‌اند. ساده وظاهر بین آن کسانی هستند که به بهائیگری بنظر یك طرز تفکر مذهبی مینگرند و شاید سالها وقت خود را مصروف مباحثه باطرفداران این فکر مینمایند ولی غافلند از اینکه بهائیگری بدست بیگانگان بوجود آمده و بوسیله بیگانگان تقویت میشود در گوشه وکنار ایران فرقه‌های گوناگون با عقاید مذهبی مختلف بوجود آمده و هر کدام چند صباحی برای پیشرفت خود فعالیت کردند ولی فرقه های خاصی بودند که مورد توجه بیگانگان قرار گرفتند و بوسیله آنها زمینه را برای اجرای سیاست خود آماده کردند. گفته های سید علی محمد باب نیز اگر رنك سیاسی نگرفته بود و بوسیله بیگانگان تقویت نمیشد مثل صدها فرق مذهبی دیگر محو و نابود میشد و امروز بهائیها نمی‌توانستند بنام اشاعه یك مذهب جدید در کلیه شئون اجتماعی ما دخالت کرده و باپشتیبانی بیگانگان موجبات تزلزل ارکان وحدت ملت ایران را فراهم نمایند. امروز بهائیگری توطئه خطرناکی است که بجان ملت ما افتاده و با ضربه برنده‌ای که در دست دارد کلیه ریشه های ملیت ما را قطع میسازد تبلیغات گمراه کننده بهائیها شکافهای عمیقی را در بین واحد های ملی ایجاد میکند. بهائیها با اشاعه بهائیگری ملل را از اتکاء بقدرتهای ملی و سرمایه فرهنگیشان نا امید ساخته و بوجود آمدن یك حکومت جهانی را در زیر لوای صلح! و دوستی نوید میدهند. بهائیها در زیر شعارهای برابری و برادری تبلیغات جهان وطنی میکنند. آنها خودشان را طالب صلح جهانی میدانند ولی معلوم نیست که این فریاد بشر دوستی و صلح جوئی چه موقع و در چه صورتی عملی میشود؟! سالهاست که استعمارچیان انگلیسی کلیه ذخائر و منابع ملی ما را به یغما و تاراج میبرند و در مقابل ملل ضعیف فریاد بشردوستی بلند میکنند.

بهائیگری یك وسیله‌ای برای اجراء این امیال آزمندانه انگلو ساکسون ها بیش نیست.

بهائیگری صدائی است که از حلقوم امپریالیسم انگلستان بیرون میآید.

گفتاری درباره ...

بقیه ازصفحه ۱

اقتصاد اندکی راجع باصل علیت وسپس راجع بموارد تا بجائی که بکار برده شده است سخن میگوئیم و سپس بروشن ساختن نکته مورد بحث میپردازیم.

علیت از دو نظر اصل شناخته میشود یکی از نظر روانشناسی علیت یکی از اصول روانی انسان است بدین معنی که عقل و اندیشه انسان طالب است که برای هر واقعه علتی جستجو کند دیگر از نظر علتی است که تمام علوم در اصل به علیت معتقدند و موضوع موردبحث خود رادر بستری از وقایع علت و معلولی تصور میکنند بحث در باره اینکه اصل روانی و اصل علتی چیست از بحث کنونی ما خارج است و فقط با این تذکر اکتفا می کنیم که اصل علیت در روانشناسی محصول استقرار کیفیات روانی است و اصل علیت در علوم خود منتج از ترکیب دو اصل دیگر است که یکی اصول «این همانی» ودیگر اصل «همسانی جهان» است.

در مورد جامعه شناسی و کشف علل وقایع اجتماعی راست است که باز باصل علیت توسل می‌جوئیم و برای هر واقعه‌ای علتی جستجو می کنیم ولی در نحوه جستجوی علل باید دقت و توجه داشت و تصور منظره جهان را بخوبی باید دریافت و کلیه اشتباهاتی هم که تا کنون در مورد وقایع اجتماعی رخ داده است ناشی از کور بینی و کج فکری در باره چگونگی ساخت اجتماعات بشری بوده است.

در مورد اجتماع علم بشر (صرف نظر مکتب ناسیونالیسم) تنها بتحلیل پرداخته است. جریان اقتصادی در مطالعات ما چنان از سایر جریانات تفکیك شده است که اقتصاد بصورت یك بحث مطلق و غیر انسانی تلقی میشود.

و زبان ودین هر یك چنان شخصیت جداگانه یافته‌اند که هیچ کس در پی ارتباط آنان نیست. کسی که در باره اقتصاد مطالعه میکند کلیه قضاوتها رابر این پایه میآرد و کسی که در مورد فرهنگ سخن میگوید جهان را از این دریچه مینگرد.

بعضی ها ساختمان اجتماع را مانند برجی تجسم میکنند که زیر ساز آنرا اقتصاد و روساز آنرا تظاهرات فرهنگی می پندارند و نظریات قومی خود را از این راه تحمیل می کنند.

تا آنجائیکه بدین نحو اندیشه شود دانشمندان و صاحب نظرانی پدید خواهند آمد که از درك وضع حقیقی جهان بیخبر و در زنجیره علت و معلولی واقعه یا پدیده‌ایرا بر سایر وقایع و پدیده‌ها ترجیح میدهند و مسبب وعلت آنها میدانند.

درك ناسیونالیستی تاریخ و جهان بر اساس این شیوه صحیح و استوار است که تجزیه وترکیب را دوشادوش پیش میبرد. در حالیکه برای کنجکاوی پدید ههای آنها را تا آخرین حد امکان تحلیل میکنند در همان حال از یاد نمی برد که موضوع تحلیل شده بصورت تحلیلی خود وجود خارج ندارد بلکه در عالم واقع بی آنکه تحلیل گشته باشد موجود است. اصل پیوستگی که یکی از اصول اندیشیدن صحیح است همیشه متفکر را متوجه میسازد که فریب تحلیل را نخورد و وقایع را آنگونه که هست نه آنگونه که تحلیل شده است، دریابد

پدیدههای اجتماعی اگر برای فرد پرستها وقایعی گسسته و هر یك علت دیگری است برای ناسیونالیستهای روشن بین وقایعی پیوسته و همزمان و اجزاء یك سر نوشت است.

فردپرست چنین می‌اندیشد که ابتدا چند فرد (که در نظر او اصل است) گرد هم آمده اند چون احتیاج داشتند بسخن گفتن پرداختند یاچون احتیاج داشتند باهم معامله وتجارت کردند.

وباز مقداری فرد گردهم آمدند و چون احتیاج داشتند یکی از آنها پیامبر شد ودین ساخت وباز مقداری مرد گرد هم آمدند واتفاقا یکی از آنها یك مجسمه ساخت.

پس از مدتی که بدین سبك فکر کرد از ترکیب اتفاقی وگوناگون افراد، (که در آنها اصل است) کیفیات وپدیده هائی بدست میآورد. مثلا زبان ـ اقتصاد ـ دین وهنر وسپس دریك نظر ثانوی سعی میکند که این پدیدهها را باهم مربوط سازد لذا آنها بتفاوت مانند دانه‌های زنجیر در پی هم قرار میدهد وهر زمان یکی از آنهارا علت پدید آوردن بقیه میشمارد.

درحالیکه برای ناسیونالیستها جهان درچهره واقعی خود آشکار میگردد بحث اجتماعی نه از فرد بلکه ازملت آغاز می‌شود.

پدیدهها در جایگاه حقیقی خود یعنی آغوش ملت جستجو میشوند میان پدیدهها با هم یك ارتباط و بستگی گسست ناپذیر وجود دارد هیچیك از آنان محصول هوسها واتفاقات نیست پدیدهها باهم همزمان هستند بی آنکه این همزمانی و علت ومعلول قابل تعبیر باشد.

بلکه کلیه این حوادث واتفاقات وپدید ههای گوناگون نظام هم آهنگی را میسازند که خود علت خود است وهستی است در چهره جنك ودگرگونی.

چون آنرا درراه تحلیل بنگریم اجزاء است وکثیر وچون آنرا بصورت ترکیب بجوئیم کل است واحد.

دراین مورد مثال بسیار ساده‌ای موضوع فرق علیت باسرنوشت را نشان میدهد فرض کنید حشره‌ایکه فکر یك انسان فردپرست راداشته باشد درکف سالون رقص بتماشا مشغول باشد.

این حشره بالای سرخود رانمی بیند تنها «بعد کف سالن وامشاهده میکند آهنك رقص را نمی شنود ودرك نمیکند» تنها پاهائی رامی بیند که یکی پس از دیگری بزمین ضربه میزند هرگاه راست درمحلی قرار میگیرد پای چپ بآن نزدیك میشود حشره میاندیشد که این توالی حرکات به وسیله یك رابطه علت ومعلولی محکمی بهم بستگی دارند.

وپای راست علت حرکت ووسیله جذب پای چپ ولی کسی که از فراز سرآن حشره وضع سالن مینگرد وآهنك موزون رقص رامیشنود میان آهنك وحرکات کسانی که میرقصند هم آهنگی را احساس میکند وتمام حرکات وصداها برای او نظم هم آهنگی است وبحث رابطه علت ومعلول برای مطرح نمیشود.

حشرات مخصوصی نیز هستند که آن چنان وقایع زندگانی بشری راتحلیل می کنند که از درك هم آهنگی آن باز میماند

ناسیونالیسم ازطرفی چنانکه یادآور شدیم براساس درك هم آهنگی استوار است واز سوی دیگر خود موجد و راهنمای آنست که وقایع رادر یك نظام هم آهنك جستجو کنیم.

بررسی سرنوشت ملل بعنوان یك واحد بامطالعات پرارزش دانشمند شهیر آلمان اسوالد اشپنگلر الهام داده شده است.

این دانشمند شهیر برای نخستین بار بطرز جالب وجامعی تاریخ بشر را مانند مجموعه ازسرنوشتها ومقدرات که محتوی کل پدیدهها ست مورد مطالعه قرار داد وداوریهای استواری رابنیان نهاد که از لحاظ جهان بینی، ناسیونالیسم ارج بی پایان دارد وحقا هر کجا که نهضت ناسیونالیستی پیش میرود باید باین مرد بزرك با دیده تقدیر و احترام بنگرند. او فرهنگهای بشری رامورد مطالعه قرار داده است پدید آمدن ـ سیر صعودی وافول آنهارا بازنموده و دراین سرنوشت مقدر تابعیت کل پدیدهها را نشان داده است آنجاست که هر کوربینی متوجه میشود که سلسله جنبان و محرك چرخهای تاریخ نه اقتصاد ـ نه عقاید ونه چیزهای جزئی دیگر است بلکه کلیه این عوامل دست بدست هم داده شده‌اند ونظامی را پدید آورده‌اند وخود بر حسب اقتضای آن آنچه مقدر باشد خواهند یافت.

در حیات ملتها پدیدهها عوامل اصلی نیستند بلکه وسائل سیر وگذاران و پیشرفت هستند آن پدیده هانه تنها سازنده اراده‌های انسانی نیستند بلکه خواست و نیازملت سازنده وجنباننده آنهاست و نبض حیاتی ملت در میان تمام آن عوامل یکسان میزند.

خلاصه آنها میان پدید ههای اجتماع یك رابطه علت و معلولی در طول هم استوار نیست وپدیدهها همعرض واجزاء یك سرنوشت وموجد یك نظام هم آهنك میباشند. این نظام هم آهنك مظهر حیات ملت است.

در اینجا پنج نکته اصلی که برای درك ناسیونالیسم ضروری است بیان نمودم و خواننده دقیق با مطالعه آن خود را آماده فهم جهان بینی وبالاخره دستگاه فلسفی ناسیونالیسم خواهد دانست

پایان بخش یکم

برنامه منظم سرویس شرکت ترانسپورت

قم و اصفهان همه روزه صبح وعصر
مشهد وکاشان » » »
یزد ـ رفسنجان ـ کرمان شنبه و دوشنبه وچهارشنبه.
نشانی تهران شمس العماره تلفن
۳۵۷۵۷-۳۳۰۶۴

ایران ما و جهان ملتها

مهمترین اخبار هفته گذشته

برادران افغانی ما از زیربار تعهد خرید نفت شانه خالی نخواهند کرد.

در این چند روزه بعضی از روزنامه های معلوم الحال بجهاتی نوشته بودند که افغانستان میخواهد از زیربار تعهد خرید نفت شانه خالی کند در صورتیکه سفارت افغانستان ! طی نامه ای که به بعضی ازجراید فرستاده این موضوع راجدا تکذیب نموده است .

برادران افغانی ، که زمانی بتحریك ، ازما جدا شدند بیش از همه محقند که از منابع نفتی هم میهنان خود استفاده نمایند وتحریکات بیگانگان موجب نخواهد شد که آنها باما قطع رابطه نمایند .

بازهم سفیر کبیر انگلیس نوحه سرائی میکند

هفته گذشته باز هم سفیر کبیر انگلیس از عدم توانائی دولت ایران در مورد اداره کردن صنعت نفت صحبت کرد و گفت که ایران بدون کمك انگلستان قادر نیست نفت خود را تصفیه کند سفیر کبیر محترم ! درپایان بیانات خود اظهارداشته که دولت انگلیس امیدوار است قضیه نفت هرچه زودتر حل شود .

معلوم نیست که شپرد هنوز چگونه فکر میکند و بخیال خودش بازهم امیدوار است که بتواند منافع دولت خونخوار انگلیس را درایران تثبیت نماید ، غافل از اینکه ملت ایران بیدارتر از آن است که باین قبیل مهملات و حرفهای پوچ وقعی بگذارد و مبارزه مقدس خود را تا نیل به پیروزی قطعی ادامه خواهد داد .

بازپرس دادگاه قزوین بدستور مجد معلوم الحال با توده‌ایها سازش میکند

هفته گذشته خبر دادیم که عده‌ای از رجاله های توده‌ای با حضور بازپرس بدوست میهن پرست ما آقای زرشکی حمله نموده و نامبرده را مورد ضرب وجرح قرار دادند و با وجود اینکه بازپرس ناظر جریان بوده و بایستی توده‌ایها را مجرم تشخیص دهد در پنهانی بدستور مجد معروف عامل سیاست انگلیس که همه او را می شناسند با توده‌ایها سازش نموده و عوض انجام وظیفه و مجازات توده‌ایها زرشکی را مجرم شناخته و میخواهد که به پیروی از یکعده بیگانه پرست نظریات سوء خود را بمرحله عمل در آورد و با گرفتن کفیل قرارداد آزادی توده‌ایها را صادر کرده است .

عزیمت هیئت اعزامی بانك بین‌المللی بآبادان

مدتها است که بانك بین‌المللی اصرار دارد که برای حل مسئله نفت ؟ نمایندگانی را بایران گسیل دارد . تا اینکه هفته گذشته نمایندگان مزبور بطرف آبادان عزیمت نمودند تا در باره پالایشگاه آبادان و مناطق نفت خیز اطلاعاتی را بدست آورند ولی در هر حال باید بدانند که ملت ایران بدین قبیل اقدامات تا آنجائی موافق است که کوچکترین لطمه‌ای بحقوق ملی او وارد نیاید و اگر بانك بین‌المللی بخواهد که با این مقدمات عملی را مخالف قانون ملی شدن نفت انجام دهد بهیچوجه مورد موافقت ما نبوده و ملت ایران به هیچ عنوان از راهی که بایستی برودعدول نخواهد کرد .

طرح قراردادهای بازرگانی ایران با ایتالیا

هفته گذشته دکتر آمریکوچروسی سفیر کبیر ایتالیا بانمایندگان بازرگانی این کشور که از بغداد به تهران آمده‌اند باو زیر اقتصاد ملی ملاقات کردند تا مقدمات عقد قرار داد پایاپای ایران و ایتالیا را که از چندی قبل مذاکرات آن آغازشده‌است فراهم آورند . ماامیدواریم که بابرقراری روابط تجارتی بین دو کشور ایران وایتالیا قدمهای بزرگتری برای بهبودوضع اقتصادی ما برداشته شود .

گریدی باردیگر از روش خصمانه انگلیس وامریکا نسبت بایران گفتگو میکند

دکتر گریدی سفیر کبیر سابق امریکا در ایران هفته گذشته طی نطقی که ایراد کرد گفت : سیاست دولت انگلیس درمورد نفت ایران یك سیاست حماقت آمیز ومزورانه بوده‌است . وهمینطور از سیاست دولت متبوع خودامریکا شدیدا انتقاد نموده و گفت که دولت امریکا نیز به تبعیت از سیاست استعماری انگلیس ایران را تحت فشار قرار میدهد وروش خصمانه انگلستان رانسبت بایران تائید مینماید تا گفته نماند که گریدی چندمین با راست که به سیاست دولتین انگلیس و امریکا در مورد ایران حمله کرده‌است . البته گریدی درمدت اقامت خود در ایران بخوبی باهمیت وارزش مبارزه ضداستعمای ملت ایران واقف شد وحتی ضمن مقاله ای هم که چندی پیش دریکی از جراید معروف امریکا نوشت خاطر نشان ساخت که چگونه دسته های ملی ایران مبارزه قطعی و اساسی خود را برای قطع نفوذ بیگانگان آغاز کرده‌اند . و امروز ارزش و اهمیت مبارزه ملت ایران ودخالت بیگانگان درامورآن بحدی روشن وآشکاراست که یك مامور خارجی هم خودرا ازذکرحقایق آنان ناگزیر می بیند

چین کمونیست خیال حمله بهندوچین را دارد

هفته گذشته یك منبع موثق خبرگزاری اعلام کرد که چین کمونیست دویست هزار سرباز باتجهیزات کامل درمرز هندوچین متمرکز ساخته تا پس از خاتمه جنك کره هندوچین را مورد تاخت وتاز قرار دهد.

معلوم است کوششی که اکنون برای پایان دادن جنك کره می‌شود برای این است که دول آزادیخواه بتوانند تمام قوای خودرا متوجه یك مشت مردم بدبخت دیگر بنمایند.

اخبار دیگری که رسیده حاکی است که کمونیست های چین به کمونیست های هندوچین تعلیمات نظامی میدهند تا آنهارا برعلیه حکومت بائودائس در هند و چین تحریك نمایند.

نحاس پاشا می گوید حل اختلاف مصر باانگلستان جز باتخلیه کانال سوئز ازارتش انگلیس امکان پذیر نیست

نحاس پاشا نخست وزیرمصر هفته گذشته باز طی نطقی شدیدا بدولت انگلیس اعتراض نموده و گفت که ما بهیچوجه وساطت کسانی ازقبیل نوری سعید پاشاها را برای تضییع حقوق ملت مصر قبول نداشته وبکسی هم ماموریت چنین میانجی گری را نداده‌ایم ودولت انگلیس چاره‌ای جز تخلیه کانال سوئز ازقوای مهاجم خود ندارد وملت مصر تارسیدن به پیروزی قطعی دست ازمبارزه با بیگانگان بر نخواهد داشت.

شکی نیست که ملت دلیر و مبارز مصر دراین قیام ملی خود پیروز شده و بیگانگان را ازمیهن خود بیرون خواهدراند .

چرچیل با ترومن مذاکره میکند

چرچیل نخست وزیر انگلیس که از چندروز قبل بمنظور مذاکره با ترومن وارد امریکاشده‌است اولین جلسه رسمی مذاکرات انها تشکیل گردید ومذاکراتی در خصوص مسائل دفاعی بین آنها صورت گرفت . اکثر محافل سیاسی معتقدند که پیشنهاداست چرچیل درامریکا مورد توجه قرار نخواهد گرفت

تفسیر اخبار

بقیه ازصفحه ۱

قیام دکتر مصدق که مظهر رستاخیز بزرك ملت ایران بود تنها ایران رادر آستانه یك تحول بزرك واساسی مبارزات قرار نداد .

بلکه همانطور که چرچیل بانالـه وزاری درمجلس عوام انگلستان گفت : نهضت ملی شدن صنایع نفت ایران تمام خاور میانه رابسوی ملی شدن ورهائی ازاسارت بیگانه کشانید .

مصدق باالهام ازملت ایران بپاخاست او سرحلقه زنجیر استعمار انگلستان را که دورا دور خاور میانه بسته شده بود درآبادان ازهم گسست .

این عمل جسورانه وبزرك مقدمه‌ای بود تاتمام خاور میانه وبی شك بدنبال آن مشرق زمین چنین رستاخیز پرافتخاری رابرای طرد نفوذ اروپائیان ورهائی از اسارت آنها آغاز کند .

مصدق بزرگترین مرد قهرمان سال است چون مجری بزرگترین برنامه ملی سال جهان بود .

مصدق نبردی راآغاز کرد که در پایان نه تنها ایران باید بسوی بزرگی و عظمت به پیش برد بلکه هنوز این نبرد پایان نیافته است که مصدق مصر نحاس پاشا برای طرداجنبیان ازمیهن خوددرسی راکه ازمصدق آموخته بود بکار برد .

مصدق هنوز بامشکلات ومصائب بسیار روبرواست که زمزمه درهم کوبیدن آخرین اثرات نفوذ انگلستان ازتمام صحنه های خاور میانه بگوش میرسد .

ولی مصدق ازمیان ملتی برخواست که در طی اعصار وقرون متمادی ازاین مردان بزرك واین جنبش‌های عظیمی که هریك مبدائی برای یکی از تحولات تاریخ جهان بوده است بسیار بخود دیده .

این مرد بزرگ سال درآغوش ملتی پرورش یافته است که بزرگترین قهرمان مبارزات ملی جهان است .

ملتی که هیچگاه از آزادگی و استقلال خود چشم پوشید .

مصدق کهن مظهر حیات و زندگی وسرسختی ایران کهن است .

این فریادهای پرخروشی که از حلقوم لرزان مصدق بیرون میآید این استقامت وپایداری که مصدق تاکنون برای آزادگی ملت خود و برای درهم کوبیدن استعمار نشان داده‌است .

صدای ملت ایران واستقامت ایران کهن وشکست ناپذیری میباشد اکنون هیچ مسئله سیاسی مهمتر وجالب تر از مبارزات پرافتخار ملت ایران نیست .

این جنبش بزرك ملت ما بیك روش سیاسی پوسیده که یکصد وپنجاه سال است آسیارا میدان تاخت وتازهوسبازی اروپائیان قرار داده است پایان داد .

برای ملت های اسیر آسیائی که تا چندی پیش ملعبه روشهای سیاسی ضدملی بود سیاست ملی را کم وبیش مسقر نمود این بیداری ملت ایران سبب گردید که بیداری عمومی مشرق زمین راتسریع کند واکنون جهان بآن سوئی میرود که به دوران ظلم استعمارگران اروپائی خاتمه داده شود وباز شرق پرافتخار آزادانه نقش تاریخی خودرا ایفا نماید .

این رستاخیز عصرما یکی ازرستاخیز های بزرك ملت ما بود .

ملتی کهن سال وقهرمان جنبش بزرگی راآغاز نموده درپیشا پیش این صفوف بحرکت درآمده مصدق بزرك ، مرد کهن سال ایران ومرد بزرك جهان بجلو گام برمیدارد .

شخصیت‌های بزرك

بقیه ازصفحه ۱

بخصوص دراثر مقایسه ومطابقه تحولات تاریخی که درفرهنك (کولتور) وتمدن های قدیمی ظاهر شده بفلسفه مخصوص خود رسیده که بنحوی نیکو درکتاب انحطاط غرب اوبیان شده است .

او معتقد است گرچه در تحولات تاریخی وتطورات اجتماعی وسیاسی و روحی فرهنك وتمدن های باستانی دراثر اختلافات ذاتی ومختصات نژادی وتاثیرات محیط وتصادفات بایکدیگر تفاوت های فاحشی ظاهر گشته وهر فرهنگی قیافه ویژه وخاصی بخود گرفته است ولی ترکیب اساسی طرز نشوونما وطی مراحل مخصوص ومدت مزاوج وبقای عموم فرهنك های مختلف یکسان بوده‌است بطوریکه میتوان جزء بجزء آنانرا مقایسه ومطابقه نمود و در بین آنها اصول مشترك و مراحل یکسانی بدست آورد وازروی این اصول علاوه براینکه بسیاری ازموارد مبهم تاریخ گذشته روشن میشود میتوان حتی تحولات آینده راپیش بینی کرد زیراتمام فرهنگها از بعضی جهات باهم تشابه کامل داشته و ملل که درروزگار گذشته فرهنك مخصوصی بین آنها ظاهر شده همه همان راه را رفته وعاقبت بهمان «سرنوشت» دچار گشته اند .

بطوریکه میتوان گفت منشاء اصلی فرهنگها هرچه باشد تمام دارای مقدرات متشابهی بوده ودرطی پیشرفت و ارتقاء و انحطاط وزوال خود مراحلی نظیرهم پیموده اند وبیکسان مراحل ترقی وتعالی را پیموده تا بارج عظمت رسیده سپس دچارانحطاط وسستی گشته تابحضیض بیچارگی افتاده اند .

ویا اگر درعرصه تاریخ بصورت ظاهر وقشر خارجی وقایع فریفته نشویم حقیقتا وقایع تاریخی تکرار میشوند اما پیش ازانتشار شاهکار چند هزارصفحه‌ای انحطاط غرب اشپنگلر کسی نتوانسته بود بما بگوید تاریخ چگونه تکرار میشود وترتیب این تکرارچیست واوبرای اولین بار پاسخ این سئوال را باکمال وضوع داد ومشکلات بسیاری که هزاران سال فکر اندیشمندان را رنج میداد بدست اوحل شد .

انتقام

بقیه ازصفحه ۱

جسدنیمه‌جانش بر روی برفهای سرد و یخزده افتاده بود ، قطرات خونی که از روی سینه مجروح وسوراخ‌شده‌اش پائین میریخت برفها را گلگون‌ساخته بود ، تفنك وساك آغشته بخون بر بالای سرش دیده‌میشد واز شدت سرما به برفهای یخ زده بسته شده بودند

آفتاب تازه از پشت کوه سر بر آورده بود و برفهای گلگون ! در اثر تابش اشعه خورشید درخشش مخصوص داشت

این سرخی نه مربوط به گلبرك‌های لطیف گل، سرخ است و نه ابرهای سوخته‌ایست که هنگام غروب آفتاب در آسمان دیده شود ...

این سرخی شقایق و میخك نیست که بر روی زمین روئیده باشند..

این سرخی زیباو خیره کننده مربوط بخون جوانی است که در راه استقلال میهنش آنرا بر زمین ریخته است...

گلهای سرخ وزیباچه زود پژمرده میشوند وچیزی ازآنهمه زیبائی ولطافت برجای نمی‌ماندولی این خونهای سرخ برای همیشه باقی خواهندماندوچون آفتاب دلپذیر بهاری برآنها بتابد مثل این است که روان تازه ای درآنها راه یافته است بهمراه نسیم ازکوهها و دشتها بسوی ما خواهد آمد ومشام ما را عطراگین خواهد کرد .

* او باوجود اینکه آخرین لحظات حیات پرافتخار خود را میگذراندسعی میکرد سخنی برزبان آرد ولی قادر نبود .

* او دیگر رمقی نداشت وآخرین ذره خونش برروی برفهای منجمد شده بود .

اوباچشمان نیمه باز خود درحالیکه مرگانش از قطرات اشك میدرخشیدافق دوررا مینگریست، ازآنجائی که افتاده بود، از پشت کوهها و دشتها از لابلای ابرها ، درعالم رویا ومرك میهنش رابنظر میآوردو بنظر میرسید که برای آخرین بارمیخواست از میهن عزیزخود وداع گوید .

* او میخواست که درمیان برفهای سرد ومنجمد شده بمیرد و ننك تسلیم شدن بدشمن خونخوار راتحمل نکرده باشد .

* او درحالیکه دست خود را بسختی برروی تفنك زیبایش گذاشت برای آخرین بار بخود تکانی داد وازبیخ گلو بالحن بم وملایمی گفت .

انتقام ....

صدای بم وملایم او همراه بادپیش رفت ، از دشتها و کوهها وصخره‌ها گذشت وبگوش سربازانی رسید که درسنگر های خود آماده گرفتن انتقام از دشمن بودند .

اومرد ... ولی فریاد انتقام همیشه باقی خواهد ماند.

تسلیت

مصیبت وارده را بخانواده محترم حائری ویژه همکار محترم دوشیزه حائری تسلیت عرض مینماید

م-خطیر

یك بحث مهم

بقیه ازصفحه ۱

در مورد ایران نوشته اند غالبا توام با اعمال غرض بوده ومیتوان گفت که اساس نظریه اکثراروپائیان نسبت بتمدن وتاریخ ایران بااختلافات جزئی بیك منوال است هدف همه خارجیان از لحاظ مخالفت بامردم مشرق زمین این است که تا حد ممکن عظمت تمدن وتشکیلات اجتماعی ایران رابی اهمیت وکوچك جلوه داده وایرانیان را نسبت بگذشته پرافتخارشان بدبین نمایند وروح سلحشوری و غرور ملی را درآنها بکشند ودرعوض روح درماندگی وزبونی را بانها تزریق نمایند .

اروپائیان برای نیل باغراض شخصی خود از طرق مختلفه وارد شده اند که موثرترین آن تهیه آثار مجعول وتحریف شده وقرار دادن آنها در دسترس مردم است .

البته باید دانست که غرض ورزی خارجیان همیشه طبق سیاست معلوم ومشخصی صورت میگیرد و مورخین و محققین هر کشوری بمقتضای سیاست دولت خوددست بکار تهیه نوشته جات معینی شده‌اند

اروپائیان همانطور که برای کلیه شئون سیاسی خود دارای سیاست معین و مشخصی هستند ، دانشگاههای اروپا نیز دارای سیاست وخطمشی معینی میباشند و اساس سیاست مزبور این است که بایستی اروپا برآسیا برتری داشته باشدمولفین ومصنفین نیز برای اینکه ازسیاست دانشگاه پیروی نمایند واز طرف دیگر مورد کینه و بغض دولت متبوع خود واقع نشوند لازم است کتبی راکه دررشته های مختلف می نویسند آلوده به اغراض شخصی آنها باشد مخصوصا بعضی از این مولفین بحدی دردگرگون کردن حقایق تاریخی ما کوشیده اند که هرایرانی ناآگاهی هم که مطالعه نداشته باشد بخوبی پی بغرض ورزی آنها میبرد.

نگارنده سعی کرده ام که در این مقاله موضوعات بارز و برجسته ای را که ضمن مطالعات خود بآنها برخورد کرده ام گردآورده و نمونه های غرض ورزی خارجیان راروشن وآشکارسازم :

حمایت ازیونان برعلیه ایران:

چون اروپائیان دارای تمدن عمیق وریشه دار وآثار باستانی نمیباشند سعی دارند آنچه راکه راجع بجنك‌های ایران ویونان می نویسند در همه جا ایرانی را آسیائی ویونانی را اروپائی جلوه دهند اروپائی جلوه دادن یونانی را باآب و تاب مخصوصی بیان مینمایند ودر نوشتن تواریخ باستان اول رم و بعد یونان را پیش میکشند وبعد از آنکه تمام آثار باستانی را بانها نسبت دادند نام ایران را بمیان میاورند واگر چیزی باقیمانده باسختی بایران نسبت میدهند موضوع تعجب آور اینجاست که اکثر ممالك اروپاخودشان را جانشین رومیها ورومیها راجانشین یونانیها میدانند وبااین ترتیب

بقیه درصفحه ٤

ندای
پان ایرانیسم

سال اول شماره ۳

تکشماره چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۳۰ ۲ ریال

جای اداره: خیابان منوچهری کوچه انجمن روزنامه نگاران تلفن ۸۹۹۱

پیروزی ملت ماقطعی

بقیه از صفحه ۲

که از گریبان شرکت سابق نفت بیرون آمده بود و تمام شرائین حیاتی ملت ایران را در خود میفشرد یگانه قدرتی بود که از موجودیت و ادامه حیات ننگین دستگاه فاسد حاکمه حمایت میکرد

هر تغییر و تبدیل ، هر تحول و دگرگونی ! جز باراده استعمار انگلستان اجرا نمیگردید

ایادی خائن و مزدور این امپریالیسم جهانخوار جز خوشخدمتی برای ارباب هدفی تشخیص نمیدادند

برای مردم ایران ادامه این وضع ننگین و این مرگ تدریجی دیگر امکان نداشت . مردمی که بیدار شده بودند ، مردمی که بحق از دست رفته و عظمت فراموش شده خود آگاهی پیدا کردند دیگر حاضر نبودند که همچنان در این گرداب بدبختی و فلاکت دست و پا زنند

خیلی کوتاهی فکر و حمق سیاسی میخواهد که کسی گمان برد این قیام بر عظمت معلول تبلیغات عده معدود و در اثر تحریک آنی اعصابی متشنج میباشد .

ریشه های این نهضت عمیق تر از آن است که بتوان در اراده و تمایل افراد و اشخاص جستجویش کرد. از همان نخستین روزهای مبارزه و رستاخیز ملت ایران دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستها و فریاد های مذبوحانه ایادی آنها میخواست وانمود کند که این جنبش عمومی یك تحریك اجتماعی بیش نیست . ولی تنها این دیدگانی که نمیدیدند و این گوشهائی که نمیشنیدند با این حقیقت واقف گردیدند بلکه دنیا دانست با رستاخیز ملتی روبرو است که مصمم است تا سرحد پیروزی مبارزه را برای آزادگی و حفظ شرافت خود ادامه دهد

ولی آن کسانیکه در پناه قدرت و وسیطره شوم بیگانه در این مملکت صاحب قدرت نشده بودند ، آنها که سر بآستان بیگانه سائیدن و خاك ره اجنبی را طوطیای چشم کردن باده از خون ملت ما مینوشیدند خوب میدانستند که با افول ستاره قدرت اربابشان چگونه بیك عمر پستی و رزالت آنها نیز خاتمه داده خواهد شد

آنها صندلی وزارت و کرسی پارلمان را بر عظمت و آزادگی ملت خود ترجیح میدهند . آنها مایلند که همچنان شلاق ظلم اجنبی بر گرده این مردم کوبیده شود ، ناموس و شرافت و زندگی و هستی ما دستخوش امیال و هوسهای بیگانه گردد ولی آنان همچنان در پناه اینهمه جنایت و برفراز پیکر خورد شده میهن پای کوبی و دست افشانی نمایند

اگر در سالهای پیش بزیر پرده هائی از کبر و ریا بخیانت و جنایت خود ادامه میدادند ولی در این روز های پر شکوه مبارزه رسما و علنا دست بردامان ارباب خود زدند که مرو تورا از جان عزیزتر داریم

ولی ارباب او صاحب!؟ این رجاله های پست و سیه روز بفرمان ملت ایران باید سنگر بسنگر عقب می نشست مشت و احساسات و اراده ملت ایران دیگر محلی برای آقائی ارباب باقی نگذارده بود

اکنون هر چه زمان میگذرد ، این عوامل بیگانه پرست سریعتر بکوری که در پایان میان آن خواهند خوابید نزدیك میشوند . تشبثات و تحریکات آنها روز بروز افزون تر میگردد .

کسانی که نیز تا کنون بغلط خود را در صف میهن پرستان قرار داده بودند اکنون که احساس میکنند ملت ایران فریب نخواهد خورد و دیر یا زود ثمره یك عمر خیانت و جنایت را برابر آنها خواهد گذارد یك یك ماسکهای خود را برمیدارند و بصف ننگین این عاملین رسوای بیگانه می پیوندند

برای ملت ایران جای هیچ نوع تاثر واندوهی نیست که چرا عناصر پست و مزدوری که صندلی وکالت را برای استقلال ، شرف و عظمت ایران ترجیح میدهند هم آواز اقلیت مزدور و ننگین میکردند .

صف میهن پرستان ایران بطرد این عناصر بی بند بار محکمتر و برای مبارزه قطعی بیشتر آماده میشود

آنکسانی که دیروز از ترس انتقام ملت و علی رغم میل خود و ارباب خویش تظاهرات میهن پرستانه مینمودند اکنون که می بینند دولت ملی دکتر مصدق برآورنده آرزو های پلید مخفی آنها نیست دست برطبل میان تهی استعمار انگلستان میکوبند

دکتر مصدق از آغاز گفت و همه جا اعلام کرد که قدمهای دولت من جز در راه ملت ایران و بسوی آرمانهای ملی به پیش نخواهد رفت . او گفت که من تا آخرین لحظه میمانم و با بیگانه پرستی و نفوذ اجنبی خواهم جنگید

بهمین دلیل مردم میهن پرست ایران همه جا از برنامه های ملی او باکمال قدرت حمایت کردند این نیروئی که زنجیرهای پنجاه ساله استعمار شرکت خون آشام سابق نفت را از هم گسست نیروی ملت ایران بود موفقیت و پیروزی مصدق دلیلی جز این نداشت که بر این نیروی پیکران وخواست گذشت ناپذیر ملی تکیه کرد

مبارزه و اخلال عناصر اخلالگر و بیگانه پرست در کار دولت مصدق تنها مبارزه با او نیست بلکه مبارزه با ملتی است که هرگز و با هیچ تحریك و تهدیدی از استقلال و حقوق حقه خویش چشم نخواهد پوشید

همان نیروی عظیم ملی که رزم آرا ها را بسینه گور فرستاد . همان قدرتی که تمام مقامات مملکتی را وادار نمود از خواست و آرزوهای ملت حمایت کند اکنون مجهز تر و فشرده تر آماده استقبال هر مبارزه خونین میباشد

آن افراد بزدل و بیگانه پرستی که از ترس خشم و انتقام ملت ایران تاکنون هم آهنگی با برنامه های ملی نشان داده اند باید بدانند که از این پس این دوصف متباین ، دو صف معلوم و مشخص بوجود آمد یکی صف ملت ایران که در آن تمام عناصر میهن پرست قرار داشتند که ملیونها زن و مرد ، پیر و جوان در آن متشکل شده اند . صف صف کسانی است که راحت خود را در رنج مردم همین ما میجوند صف آنهائی است که اطمینان دارند در یك رژیم ملی محلی بروی آنها باقی نخواهد بود .

این صف بیگانه پرست و این مجموعه کثیف متشکل از ایادی همه جانب از آغاز بنامهای گوناگون با ملت ایران و دکتر مصدق و دولت او جنگید. ولی خوب است نتیجه این مبارزات نظر نکنند که چه صفی تاکنون پیروز شده است ؟

آنچه شکسته گردید صف دشمنان میهن ما بود و آن صف که پیروز شد صف ملت ایران .

اما این مبارزه در این مرحله هرگز قطع نخواهد شد . پیروزی سر آغازی است برای مبارزات موثر تر ملت ایران. اخلالها و کارشکنی های مشتی مزدور هرگز فتوری در نبرد نجات بخش ما ایجاد نخواهد کرد .

ما به پیروزی و وصول بآرزوهای ملی ایمان داریم .

در پایان این نبرد هر قدر که صحنه های خونین داشته باشد جز فتح قطعی ملت ایران هیچ چیز دیده نخواهد شد.

اگر دشمنان گمان دارند که یکبار دیگر نوکران شناخته شده آنها بر شانه های ملت ایران سوار شوند این آرزو پوچ و باطل است .

یا باید ایران وجود نداشته و یا اثری از بردگی ملت ما باقی نماند

آنچه قطعی است تا جهان پا است ایران باقی است پس راهی برای آتش بیشتر زبانه خواهد کشید برای کسانی که در چنین شرایطی میخواهند پیروزی بدست آمده ملت ایران را متزلزل کنند

برای حلقه بگوشان اجنبی که اکنون بخیال خود میخواهند آخرین نقش استعماری را ایفا کنند دیگر در نظر ملت ایران محلی برای بخشش و عفو نخواهد بود

شما داغ باطله خورده ها ، که اکنون بساز اقلیت منفور رقصیدن آغاز کرده اید باید اطمینان داشته باشید لکه های ننگی که اکنون بر دامان شما نقش بسته است هرگز زدوده نخواهد شد

برای ما مسلم و قطعی بود که برای وصول پیروزی باید آماده شد تا مراحل دشوار و سختی را بپایان رسانید . مبارزه ملت ایران مبارزه میان مرگ و زندگی است .

مبارزه عظمت و بردگی است. چنین نبردی گذشت و فداکاری و تحمل میخواهد

برای ما خوب آشکار بود که شکم آزمند امپریالیسم منفور انگلیس هرگز رضایت نمیدهد تا دیگران منافع بیکران میهن ما بگلوی او سرازیر نشود

سیاست پوسیده انگلستان هرگز نمیخواهد که ایران حلقه های بندگی را ازست و پای خود بگسلد و براه عظمت و سروری گام بردارد .

انگلستان با کمال قدرت و با تمام نیروهائی که در اختیار داشت از آغاز کوشید که نهضت ملی ایران را دچار شکست و تزلزل نماید . در این راه او از تمام تمام افراد و قدرتهائی که بنحوی امکان داشت در راه ملت ایران جاری باشند استفاده نمود

عناصر بلشویك و حزب منفور توده بهمین دلیل مورد حمایت و تایید و تقویت ایادی داخلی امپریالیسم انگلستان بقرار گرفتند .

هم آزادی طلوع و بسوی آینده ، همدردی رجاله های حلقه بگوش امگلستان و مزدوران استعمار سرخ آغاز گردید .

تا به کی نیرنك بازی ؟

در شبی تاریك بینم اختر رخشان ایران
در سپهر لاجوردین چهره خندان ایران
گوئیا در این دل شب جان ایران
قلب من ماوای میهن زندگی ایمان ایران

باز می آید بگوشم نام جانبخشای ایران

در میان ابرهای پرنیانی مام میهن
وه چه خوش خندد به ساکنهاو گاهی بر تر و من
چهره خندان او پرنور همچون شمع روشن
گرداو ایرانیان کوشند از جان و هم از تن

تا بچنك آرند حق حقه و برجای ایران

نام میهن بعد چندی خنده ای آسوده کرده
خنده ای از نرگسی مست وخمار آلوده کرده
جنبش فرزند او بیگانه را ژولیده کرده
در دل شب اختر ایران دلم شوریده کرده

گر بهشتی هست یا می در دل شب های ایران

گرك های آنگلوساکسون کنون دیوانه بینم
مرغ بد اندیش را در دام مکرورانه بینم
نقشه های سیمرغ را افسانه بینم
گرد شمع کشورم بیگانه را پروانه بینم

سود از هجران نفت و گریداندر پای ایران

گو تو ایدن رانمال آرزویت کی شود
ملت بیدار ما از حیله تو با خبر شد
آتش خشم و غضب از ملت ایران شعله ور شد
ای عجب او کاسه از آش کوئی گرمتر شد

دل مسوزان سوزی اندر مشعل غوغای ایران

داوری لاهه هم چون گفته تو گفت بیجا
بی خبر از شورش ایرانیان پای بر جا
سیل احساسات ایرانی کند صدچون تو بی پا
تا به کی نیرنك بازی راز پنهان گشت پیدا

دیگرت قدرت نباشد تا کنی یغمای ایران

ریشه بیداد و استثمار زپایش کنده گردد
پرتو صلح و صفا بر ملت ما افکنده گردد
امروزه ماشیوه آینده گردد
تا جهان باقیست نام کشورم پاینده گردد

« شیده » را افشاست ماند کشور برنای ایران

کارگران شرافتمند

بقیه از صفحه ۱

شروع و ادامه مبارزه نداریم و بایستی از یك کشور بزرك و نیرومند خارجی برای مبارزه و تامین حقوق خود استمداد بطلبیم اما تجربیات شوم و تلخ گذشته بما نشان داده که هر وقت دست کمك بسوی بیگانه دراز کرده ایم منافع ملی خودمانرا در معرض خطر انداخته و دست یك کشور نیرومند را برای اجرای سیاستهای خطرناکی در میهن خود باز گذاشته ایم ماجرای مشروطیت در نتیجه تمایل بعضی افراد منورالفکر! بمساعدت انگلیسها و علاقه نشان دادن فتحعیلشاه بدربار فرانسویها و عواقب وخیم آن و بسیاری صحنه های دیگر ما را بر آن میدارد که از توسل به نیروی هر بیگانه ای جداً احتراز جوئیم .

بعد از شهریور ۱۳۲۰ چون دولت خونخوار انگلیس در ایران دارای منافعی بود و با اجرای سیاستهای استعماری ملت ایران را چپاول میکرد عده ای نیز باتکاء روسیه دست بیك سلسله تبلیغات زدند تا دست یك استعماری دیگر را در ایران باز نمایند تا همان منافعی را که دولت انگلیس در ایران دارد همان منافع را بالاتر دولت روسیه داشته باشد .

آنهائی که کارگر شرافتمند ایرانی را باسم مبارزه ایبطرف و آنطرف میکشاندند نه بخاطر تامین منافع ملت ایران بود بلکه فقط بخاطر تامین منافع یك کشور خارجی بود که کارگران میبایست وقت و انرژی خودشان را مصرف نمایند ،

کارگرانی که ضمن چند سال اخیر در اثر مبارزات مترقی و آزادیخواهانه! از هستی ساقط شدند و خانواده های آنها متلاشی و نابود گردید فایده توسل بیك کشور خارجی را برای ما ثابت میکند آنهائی که کارگران را وادار به تعطیل کردن کارخانه ها مینمودند و یا آنکه بانها یاد میدادند بر علیه فرانکوئی که در آنطرف دنیا زندگی میکند دست باعتصاب بزنند فقط برای این بود که وضع ملت ما را متشنج نموده و با ایجاد زمینه نا رضایتی و بحران اقتصادی ما را در دهان عفریت بلشویسم بیندازند.

کارگران شرافتمند جز زنده باد و مرده باد و ابراز تعصب نسبت بیك فرمول مبارزاتی غلط چیز دیگری یاد نگرفتند و راهی جز راه قبول بندگی بآنها نشان داده نشد .

هزاران کارگران ایرانی ضمن میتینگها و دمونستراسیونهای بیجا و بی اساس فریاد میکشیدند ولی نمیدانستند برای چه فریاد میکشند و برای چه مبارزه مینمایند.

این بود راه مبارزه کارگران مادر چندسال اخیر که با عدم توجه به نیروهای ملی به بیگانه متوسل شده بودند و هنوز هم عده ای باین راه غلط و بی اساس ادامه میدهند در حالیکه مبارزه یك کارگر شرافتمند می بایستی بخاطر اصولی انجام گیرد که این اصول موافق نیاز ملت او بوده و راه نجات را در برداشته باشد کارگری که با روشن بینی مبارزه میکند بایستی منافع ملت خود را مقدم برهمه چیز دانسته و جز در راه تامین منافع ملت خود در راه دیگری گام برندارد و نیروی خود را بیهوده برای تامین منافع کسانیکه بمیهن ما چشم طمع دوخته اند مصرف ننماید .

کارگران شرافتمند ایرانی : ما تورا از توسل بهر نیروی بیگانه ای جدا بر حذر میداریم نیروی تو هرچند هم که نا چیز باشد چون دست بیگانه در آن دخالت ندارد هرگز محو نمیشود و سر انجام از مبارزه بیرون خواهد آمد

کارگران شرافتمند :

مبارزه شما فقط بایستی بخاطر عظمت ایران و حفظ ناموس ملت خودتان باشد.

تجدد

یك بحث مهم

بقیه از صفحه ۲

میخواهند که پایه تمدن باستانی عظیمی را برای خودشان بریزند و مارا فاقد هر گونه آثار باستانی بدانند !

«در کتابی که مولف آن قسمتی از یك کتاب تاریخ بقلم یك مورخ خارجی را نقل کرده بود اینطور نوشته است

درجنك خشایار شاه چندبن صدهزار ایرانی را ده هزار یونانی ریز ریز کرده ودر آب ریختند » حال آنکه امروز با وسائط نقلیه سریع السیر انتقال این تعداد سرباز کار مشکلی است تا چه رسد بدو هزار و پانصد سال قبل که چنین کاری تقریبا غیر ممکن بوده است ولی مورخین خارجی بتبعیت از سیاست معینی که همان پست و حقیر جلوه دادن ایرانیها باشد صفحات کتابها را با نوشتن چنین مضخرفاتی سیاه میسازند.

البته منظور این مورخین کشف حقایق تاریخی نیست بلکه منظور این است که ایرانی هیچوقت بفکر گذشته پرافتخار خود نباشد و هیچ موقع احساس نیرومندی و شایستگی ننماید تا همواره مقهور و منکوب سیاستهای استعماری خارجیان شود.

تاریخ ساسانیان که بوسیله رولنسن برشته تحریر درآمده است آنقدر دارای مهملات و مطالب خالی از حقیقت است که خواننده را بشگفتی درمیاورد و معلوم نیست که مولف محترم ! این مطالب را از کجا پیدا کرده و بنام تاریخ ساسانیان برشته تحریر در آورده است از جمله تواریخ عجیب و غریب دیگری که برای ما نوشته اند تاریخ لامامی کلارك فرانسوی است مولف مزبور در زمان نادرشاه بایران آمده و کتاب خود را که درسه جلد است تقدیم کنت واژاسون نموده است مولف نامبرده با کمال وقاحت مینویسد .

نادرشاه با این فتوحاتی که میکند قطعا آسیائی نیست جمعی میگویند اهل بر اباندازاز ایالات بلژیك میباشد که حسب ونسب خود را پنهان داشه است

دسته ای دیگر از محققین اروپائی غرض ورزی را بحدی رسانده اند که قطعا بایستی آنهارا دیوانه دانست این مولفین برجسته ترین وزبده ترین بزرگان میهن مارا ترك یاعرب نامیده اند .

مثلا میگویند فارابی ترك و ذکریای رازی عرب و سلطان محمود غزنوی ترك است و تنها دلیلشان این است که در میان اجداد آنها یکنفر اسم ترکی داشته یا بزبان عرب کتابی نوشته است .

واقعا برای این قبیل نوشته جات و صاحبان آن چه ارزشی میتوان قائل شد ؟

جز اینکه مولفین این قبیل نوشته جات پوچ و بی اساس را اشخاص مغرض و بیشرمی که بهیچوجه شایستگی تحقیق و تالیف تاریخ را ندارند بحساب آوریم .

بقیه دارد

حسین - تجدد

ماجز زدودن این لکه های ننك و کوبیدن بیگانه پرستی نیست

چه بهتر که مغرضین و کوته بینان و بیگانه پرستان زودتر صف ملت را ترك گویند .

چه بهتر که استعمار بزانو در آمده وشکست خورده آخرین نقشه ها و حربه ها خود را بمیدان بفرستد.

چون ملت ایران آنگاه خواهد توانست بهتر انتقام خود را از خائنین و تبه کاران بازستاند .